

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: والننتین کاتاسانوف*

برگردان از: ا. م. شیری

۲۷ دسمبر ۲۰۲۰

سرمایه داری فراگیر به مثابه ایدئولوژی نوسازی بزرگ

برنامه‌های نخبگان جهانی در زیر پرده دود

جدیدترین برنامه نخبگان پشت پرده برای نوسازی نظم جهانی را به ترتیبی که در کتاب کلائوس شواب و تری میلر به نام "کووید-۱۹، آغاز نوسازی بزرگ" توصیف شده، طی مقاله قبلی تحت همین عنوان در هشت بند خلاصه کردم و حالا، ادامه بحث:

یکی از مفاهیم کلیدی "نوسازی بزرگ" عبارت است از سرمایه‌داری فراگیر، جامع یا "باز برای عموم". در طول دهه‌ها سال کار، من به تعداد بسیار زیادی از تعاریف سرمایه‌داری برخورده‌ام، اما "سرمایه‌داری فراگیر" تازه است. به نظر می‌رسد بحران مالی سال‌های ۲۰۰۷-۲۰۰۹ سرانجام نخبگان پشت صحنه را متقاعد کرد، که نمونه موجود نظام سرمایه‌داری جهان کاملاً فرسوده است. درک من از "نخبگان پشت صحنه"، صاحبان پول (سهامداران بانک فدرال رزرو آمریکا) است که برای تصاحب جهان سعی می‌کنند.

شواب هیچ تعریف روشنی از "سرمایه‌داری فراگیر" ارائه نمی‌دهد. هر کس از سرمایه‌داری "فراگیر" دم بزند، خواهد گفت که این سرمایه‌داری فقیر و ته‌دست ندارد. کس دیگر خواهد گفت، که در این مدل سرمایه‌داری همه به فعالیت اقتصادی جلب خواهند شد. آن یکی دیگر سرمایه‌داری "فراگیر" را سرمایه‌داری مسؤول در برابر نسل‌های آینده تعریف خواهد کرد.

در هر حال، همه اینها حقه‌بازی کلامی، به سخن صریح‌تر، فریبکاری و تبلیغات ارزان است. کنفرانس سطح بالا در لندن در ماه مه سال ۲۰۱۴، برگزار گردید، که در آن مدیر اجرایی صندوق بین‌المللی پول کریستین لاگارد، اعلیحضرت پرنس چارلز، مادام لین دو روچیلد، رئیس جمهور سابق آمریکا بیل کلینتون، شهردار لندن لرد فیونه ولف شرکت داشتند. لین دو روچیلد مبتکر اصلی این کنفرانس بود. البته، او سرمایه‌داری فراگیر را چندی پیش از آن مطرح کرده بود (یعنی، مبتکر آن پرفسور شواب نبود). سخنرانی کریستین لاگارد در آن کنفرانس مخصوصاً شایان تأمل بود. اول - او تصریح کرد، که مؤلف این ایده خانم روچیلد است: "ما همه در اینجا برای بحث پیرامون سرمایه‌داری فراگیر، طرح ابتکاری مادام لین جمع شدیم".

دوم - لاگارد با رجوع به مارکس، گفت، که دیدگاه او مبنی بر "سرمایه‌داری برای همه" یک عبارت حاوی مفاهیم ناسازگار است: "تحکیم واژه سرمایه‌داری در قرن نوزدهم اتفاق افتاد. کارل مارکس که با انقلاب صنعتی به وجود آمد، توجه اصلی خود را بر روی تملک ابزار تولید متمرکز نمود و پیش‌بینی کرد که سرمایه‌داری در اثر افراط و تفریط، بذر نابودی خود را بارور می‌سازد - انباشت سرمایه در دست یک عدهٔ قلیل، که برای کسب سود بیشتر سعی می‌کنند، به مناقشات جدی و بحراهای ادواری می‌انجامد. بنا بر این، آیا "سرمایه‌داری فراگیر" یک ترکیب مجازی از مفاهیم متناقض است؟"

روشن است، که سرمایه‌داری از نظر مارکس نه تنها "فراگیر" نیست، بلکه، به عکس، "انحصاری" است. آن، افراد "زائد" را از تولید اجتماعی بیرون می‌راند، آنها را در فقر و بدبختی رها می‌کند و میلیون‌ها انسان را از هر گونه زندگی اجتماعی محروم می‌سازد. مارکس این را قانون کلی انباشت سرمایه‌داری نامید: در فرایند توسعهٔ سرمایه‌داری، دو قطبی شدن جامعه روی می‌دهد؛ در یک قطب، شمار اندک ثروتمندان و فوق ثروتمندان، در قطب دیگر، اکثریت قریب به اتفاق جامعه به شکل فقیران و تهیدستان جمع می‌شوند.

بسیار خوب، کریستین لاگارد، شاهزاده چارلز و مادام لین دو روچیلد همگی در این واقعیت که حق با مارکس است، اتفاق نظر داشتند. گویا او، سرمایه‌داری ۱۵۰ - ۲۰۰ سال پیش را توصیف کرده است. اما امروز سرمایه‌داری می‌تواند و باید از انحصاری به سرمایه‌داری جامع تبدیل شود.

هفت سال از زمان آن دیدار در لندن گذشت. آیا سرمایه‌داری حتی یک ذره هم فراگیر شد؟ نه! سرمایه‌داری طبق قانون کلی انباشت مارکس توسعه می‌یابد: ثروتمندان، ثروتمندتر و فقراء، فقیرتر می‌شوند. در ماه جنوری سال ۲۰۲۰ در آستانهٔ ۵۰ - مین سالگرد دیدار داووس سازمان غیردولتی آکسفام گزارشی از توزیع ثروت در جهان منتشر کرد. بنا به داده‌های این گزارش، ثروت ۲۱۵۳ میلیارد در موجود در جهان برابر است با بیش از مجموع دارائی ۶۰ درصد جمعیت جهان. نیازی به توضیح نیست.

اگر ادعای شواب دربارهٔ مدل "جدید" سرمایه‌داری را مورد تجزیه و تحلیل قرار دهیم، در نتیجهٔ نهائی به پیشنهاد مبنی بر امتناع از اصل حداکثر سود می‌رسیم. در این حالت، تجارت باید درک کند که دورهٔ رشد سرمایه‌داری در حال پایان است، متوسط سود در بسیاری از عرصه‌های صنایع و در اغلب بازارها به صفر رسیده است. از قضا، جورج سورس بیست سال پیش یک شوخی کرد و گفت: "موسیقی تمام شده، اما آنها هنوز می‌رقصند". آری، بهتر است کارل مارکس را به خاطر آوریم، که ۱۵۰ سال قبل قانون روند نرخ بازگشت به کاهش سود را تدوین نمود و گفت، که در نتیجهٔ رشد ساختار فنی سرمایه‌داری (جابه جایی ماشین و نیروی کار) نرخ سود ممکن است تا صفر کاهش یابد.

به این ترتیب، شواب به دنبال مادام لین دو روچیلد تصمیم گرفت با اعلام "فراگیر"، سرمایه‌داری را نجات دهد. اول - سود نباید هدف و معیار اصلی موفقیت در تجارت باشد. دوم - شرکتها باید به شکل کاهش قیمت‌ها و از میان برداشتن فقر و تنگدستی از مصرف کننده استقبال کنند. سوم - باید این تصور رایج را که سهامداران مالک شرکتها هستند، کنار بگذارند.

در اینجا میزگرد تجارت با مشارکت نمایندگان بسیاری از بزرگترین شرکت‌های امریکائی را یادآوری می‌کنم. ارگانهای حاکم بر میزگرد تجارت شامل جف بزوس از آمازون، تیم کوک از اپل، ماری بارا از جنرال موتورز و سایر مهره‌های برجسته می‌باشد، که در راس فهرست ثروتمندترین افراد امریکا و جهان قرار دارند. میزگرد تجارت سال گذشته اعلام کرد، که اصل تقدم سهامداران منسوخ شده است و این تعهدات باید به همه طرف‌های ذینفع تسری یابد (کارکنان

شرکت‌ها، تأمین کنندگان و پیمانکاران، مصرف کنندگان محصولات و دولت) میزگرد تجارت هدف خود را ارتقاء "اقتصادی که در خدمت نه فقط سهامداران، بلکه، همه آمریکائی‌ها باشد"، اعلام کرد .

کلائوس شواب از این موضوع استقبال می‌کند و می‌افزاید: "هدف شرکت‌ها جلب همه ذینفعان در فرآیند ایجاد ارزش مشترک و پایدار می‌باشد". به سخن دیگر، هر شرکتی باید "فراگیر" شود و سرمایه‌داری جامع را نه دولت، بلکه، این شرکت‌ها باید ایجاد کنند. دولت‌ها نیز باید به تدریج به شرکت‌های فراگیر جذب شوند، اما نباید مانند مارکسیسم سنتی از بین بروند، بلکه، توسط کمپانی‌های بزرگ خصوصی شوند.

سرمایه‌داری از چند قرن پیش در جهان وجود دارد و در تمام دوره حاکمیت آن اصل "انسان گرگ انسان است" (Homo homini lupus est) حکمرانی می‌کند. در طی این مدت نسل‌های متعدد گرگان را پرورش داده و وظیفه مادری خود را در مقابل گرگان ضعیف‌خور سرمایه‌داری انجام داده است و حالا گرگ‌ها اعلام می‌کنند، که از این پس برای خوردن علف آماده هستند؟!!

بگذریم از این اراجیف. این سرمایه‌داری فراگیر بدنام یک پرده دود است که برنامه‌های نخبگان جهانی برای رسیدن به آینده را می‌پوشاند و آن را می‌توان نظام پیاسر سرمایه‌داری، فئودالیسم نوین یا برده‌داری جدید نامید .

نخبگان جهانی آماده‌اند از سود چشم‌پوشی کنند، اما تحت هیچ شرایطی حاضر نیستند از قدرت صرف‌نظر نمایند. طرح "نوسازی بزرگ" به منظور حفظ و تحکیم این قدرت برنامه‌ریزی شده است.

صاحبان پول قصد دارند سرمایه‌های خود را به سلطه مطلق بر جهان تبدیل کنند.

*پرفسور، دکتر علوم اقتصادی، مدیر مرکز پژوهش‌های اقتصادی "ساراپوف" روسیه، کارشناس مسائل پشت صحنه

ا. م. بشیری

۶ دی - جدی ۱۳۹۹

منبع:

<http://www.sovross.ru/articles/2066/50471>